

ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر - هر زن و مرد بالنی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد ، ملیت ، تابعیت ، یا مذهب ، با همدیگر زناشوئی کنند و تشکیل خانواده دهند ؛ در مدت تمام زناشوئی و هنگام انحلال آن ؛ زن و شوهر در کلیه امور مربوط بازدواج ، دارای حقوق مساوی میباشند .

توجه خاص اسلام بحقوق و شخصیت بانوان

* حق نظارت بر اعمال دیگران

* فرار رفتن دانش بر زنان نیز لازم است

* استقلال اقتصادی بانوان

جای تردید نیست ، جامعه ایکه افراد آن احترام بمقررات و قوانین نگذارند ، و بوظائف فردی واجتماعی خود عمل نکنند ، هیچگاه رنگ سعادت و نیکبختی را نخواهند دید ، اسلام برای اینکه مردم را وظیفه شناس بار آورد و احترام بمقررات و عمل بقوانین را احیاء کند ، و مردم را از ارتکاب گناه و قانون شکنی باز دارد ؛ راه های چندی قرارداد که از آن جمله است :

۱ - توجه دادن باثرات سوء گناه و فوائد عمل بقوانین .

۲ - تقویت نیروی ایمان افراد و اینکه هر فردی ثمرات تلخ و شیرین اعمال نیک و بد

خود را در روز رستخیز خواهد چشید .

۳ - تشریح يك سلسله قوانین جزائی (حدود ، دیات ، قصاص) و بکار بستن آنها ،

۴ - چهارمین راهیکه اسلام برای اجرای احکام و قوانین فردی و اجتماعی و

داشتن از گناه و قانون شکنی قرار داده ؛ عبارت از : « امر بمعروف و نهی از منکر » است .

از نظر اسلام ، تمام افراد ملت بمنزله «قوة مجریه» و «سپاه تعلیم و تربیت» اند ، همه حق دارند نسبت باعمال دیگران نظارت داشته باشند تا هر گاه کسی یا مقامی گرفتار انحراف شده و در انجام وظائف کوتاهی نماید و یا مرتکب کارهای زشت و فساد گردد ، او را بوظائف آشنا و از ارتکاب گناه و فساد بازدارند ؛ خواه آن فرد منحرف دارای شخصیت مقام ممتازی باشد یا یک فرد عادی .

این وظیفه مهم اجتماعی که بزرگترین عامل اجرای قوانین و مؤثرترین راه جلوگیری از گناه و قانون شکنی است ، بهیچوجه در انحصار طبقه خاصی نیست ، تحصیل کرده و بیسواد ندارد ، زن و مرد باهم فرق نمیکند ، همانطوریکه از نظر اسلام یکمرد مسلمان حق دارد ، ناظر اعمال آحاد و افراد ملت خود باشد و در صورت انحراف و ارتکاب گناه و فساد آنان را تا آنجا که امکانات باو اجازه میدهد ، از زشتیها و معاصی بازداشته و بکارهای نیک و شایسته و ادار سازد ، یک زن مسلمان نیز حق دارد ، نظارت باعمال افراد و اوضاع کشور اسلامی داشته ، هر گاه خلاقکاری و بی احترامی بمقررات و قوانین در هر گوشه و کنار مملکت اسلامی ؛ بوقوع پیوست ، بایبان و قلم و یا هر نیروئیکه در اختیار دارد مردم را به نیکوکاری و انجام وظائف و ادار کند .

قرآن شریف در این باره میفرماید : «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض ؛ یا مرون بالمعروف وینهون عن المنکر ، و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله ورسوله ، اولئک سیرحهم الله ، ان الله عزیز حکیم یعنی مردان مؤمن و زنان مؤمن ، بعضی از آنها یار و دوست بعض دیگرند ، بکار نیک و امیدارند و از کارهای زشت و منکر باز میدارند ، نماز میخوانند و زکوة میدهند ، و فرمان خدا و پیغمبرش را اطاعت میکنند ؛ خداوند آنان را بزودی میبخشد زیرا که خداوند عزیز و حکیم است ، (۱)

گروهی از مفسرین قرآن ، از آن جمله مرحوم طبرسی از آیه فوق ، وجوب عینی امر بمعروف و نهی از منکر را نسبت بمرد و زن مسلمان ، استنباط کرده و گفته اند از این که خداوند ، وظیفه نظارت عمومی و امر بمعروف و نهی از منکر را از صفات جمیع افراد باایمان شمرده ، نه طایفه خاصی میتواند استنباط کرد که این وظیفه در انحصار طبقه خاصی نبوده و

نسبت به مردوزن مسلمان ، بطور « عینی » واجب است (۱) روی همین اهمیت خاصیکه اسلام نسبت باینموضوع قائل شده و بزنان حق نظارت عمومی داده ؛ در تاریخ اسلام زنان بسیاری ، دیده شده که در مقابل بزرگترین شخصیتها ؛ از حقوق مزبور استفاده کرده اند بیشتر دانشمندان سنی و شیعه این مطلب را نوشته اند ؛ و روزی عمر خلیفه دوم ؛ روی منبر ، در مقابل جمعیت بسیاری ؛ گفت : هر کس برای زنی بیش از پانصد درهم ، مهر قرار بدهد من مازاد از مهر السنه را (مهر السنه عبارت از پانصد درهم است) به بیت المال بر میگرددانم ؛ زنی از پای منبر باو اعتراض کرد : این فرمان شما مخالف با فرمان خدا است که میگوید : « و آتیتم احداهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً یعنی هر گاه بیکی از آنها بعنوان مهر به مال فراوان داده اید ، چیزی از او نگیرید » (۲) چگونه شما برخلاف قانون خدا که بیش از مهر السنه را نیز مجاز شمرده ، فرمانی صادر می کنید ؟ عمر از گفته خود برگشت و گفت : « مردی خطا کرد و زنی بحقیقت رسید ۱۱ » (۳) آیه و تاریخچه فوق ، بخوبی نشان میدهد که زن از نظر اسلام تا چه اندازه دارای شخصیت حقوقی بوده و چه توجه خاصی اسلام نسبت بحقوق و شخصیت بانوان کرده است .

فرا گرفتن دانش بر زنان نیز لازم است .

از آنجا که جهالت و بیسوادی عامل مهم و مؤثر افزایش جرائم و بزه ها است ، بیدانسی بزرگترین علت عقب افتادگی ملتها و توسعه نفوذ استعمار و گسترش بازار خرافات و صدها بدبختی دیگر است از اینجهت اسلام بموازات تقویت جنبه های معنوی و اعتقادی و اخلاقی مردم ، آنان را ترغیب بفرا گرفتن دانش و فرهنگ نیز نموده تا جائیکه یکی از حقوق فرزندان را نسبت به پدران ، همین مسأله با سواد کردن فرزندان شمرده است .

پنجمبر اسلام فرمود : از جمله حقوق فرزند بر پدرسه چیز است : - نام نیکو برایش انتخاب کند ، با خواندن و نوشتن بیاموزد ، هنگامیکه شایستگی ازدواج پیدا کرد ، برای پسرزن بگیرد و دختر را بشوهر بدهد ؛ (۴)

با آنکه اقوام و ملل دیگر با سواد شدن و تحصیل دانش را منحصر بمردان میدانستند و اصلاً با آن رفتار جائزانه ای که آنان در باره زنان مینمودند کسب دانش و تحصیل علم برای زنها موضوعی نداشت ، بعلاوه « پولس » زنده کننده مذهب نصاری در باره تحصیل دانش زنان ، اینطور میگوید : « زنان را اذن و اجازه نمیدهیم که علم و دانش را فرا گیرند و در نتیجه بر مردان مسلط شوند ،

(۱) مجمع البیان طبع جدید ج ۵ ص ۵۰ (۲) سوره نساء آیه ۲۰ (۳) حقوق الانسان ص ۱۳۹

(۴) مکارم الاخلاق ص ۱۱۶

بلکه باید پیوسته ساکت و آرام باشند ، برای اینکه مرد بر زن اولویت دارد و در آفرینش ، آدم ، بر حوا مقدم بوده است (۱) ، اسلام با کمال توجهی که نسبت بشخصیت بانوان دارد و منتهای مراقبتی که در حفظ حقوق انسانی آنان منظور داشته؛ نه تنها تحصیل علم و طلب دانش را با آنان سفارش فرموده ، بلکه اینکار را جزء فرائض ایشان شمرده است ، همانطوریکه مردان مسلمان را موظف بفرار گرفتن دانش فرموده ؛ طلب علم را جزء فریضه مذهبی زنان نیز شناخته است «پیغمبر فرمود : طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة یعنی : فرا گرفتن دانش بر هر مرد و زن مسلمانی لازم است (۲) ،

شکی نیست که دختران و زنان بی شوهر ، آزادی نامحدودی برای فرا گرفتن دانش و کسب معارف دارند البته بشرط آنکه آن معلومات با موازین اسلام منطبق و تحصیل آنان از دائره عفاف برون نباشد ولی زنان شوهر دار در اثر مسئولیتهای بزرگیکه بهمده دارند از قبیل : تربیت فرزندان ، تنظیم امور مربوط بخانه ، گرفتاریهای دوران حمل و غیره ، تا حدود زیادی محدودند ، ولی در عین حال برای فرا گرفتن احکام و حقوق اسلامی و تکالیف مذهبی و معارف دینی ؛ هر گاه شوهران نتوانند با آنها کمک کنند ، لازم است بدیگران مراجعه کرده ، اطلاعات ضروری را بدست آورند و شوهران در اینصورت بهیچوجه حق ممانعت و جلوگیری آنان را ندارند ، (۳)

روی همین سفارشهای اکید اسلام است که طول چهارده قرنیکه از اسلام میگذرد ، زنان دانشمند زیادی در مکتب اسلام تربیت شده که بسیاری از آنها از مصادر رفق و حدیث و تفسیر بشمار میروند ، تاجائیکه سه نفر از آنها بنام : بانو مریسه ؛ بانو صفیه ؛ بانو بهجت ؛ از اسناد معتبر روایات و مشایخ حدیث شخصیتی مانند شیخ صدوق که در حدود سیصد جلد کتاب تالیف کرده میباشد و از جمله کسانیکه استبصار مرحوم شیخ طوسی را شرح کرده خانمی است بنام «سیده حمیده» و هم اکنون بانو طاهره امین اصفهانی که در اصفهان زندگی میکند و از شاگردان مکتب اسلام میباشد دارای تالیفات زیادی است

(۱) زن از نظر حقوق اسلامی ص ۳۹

(۲) معالم الدین ص ۹ - نهج الفصاحه ص ۴۰۳ - مرحوم کلینی در جلد اول اصول کافی روایاتی از قبیل: طلب العلم فریضة علی کل مسلم ، الا ان الله یحب بغاة العلم ؛ نقل میکند که معلوم است منظور از مسلم در اینگونه روایتها هر فرد مسلمان است خواه زن باشد ، خواه مرد نه اینکه مسلمان مرد ، در مقابل زن منظور باشد .

(۳) جواهر کتاب نکاح .

استقلال اقتصادی بانوان

در بسیاری از ملل و اقوام گذشته، زن حق مالکیت نداشت و نمیتوانست مالک چیزی حتی پراهنی که بر تن داشت بشود، تا جائیکه طبق نوشته «عقیف عبدالفتاح طبار» در حدود سال ۱۸۵۰ میلادی قانونی در انگلستان وضع شد و در آن قانون، تصریح شد که: زنان در شمار اتباع کشور محسوب نیستند؛ حقوق شخصی ندارند مالک اموالیکه با عرق پیشانی بدست آورده اند حتی لباسهاییکه بر تن دارند نمیباشند! (۱)

گرچه بعدها در بسیاری از ممالک متمدن، حق مالکیت بزن داده شد، ولی زنان شوهردار مانند مهجورین و سفهاء حق مداخله در اموال خود را نداشتند و بدون اذن و اجازه شوهران نمیتوانستند مال خود را بکسی ببخشند، و یا بفروشند و یا معاوضه کنند و یا رهن بدهند و یا هبه از هبه کننده قبول کنند!

ماده ۱۲۵ قانون مدنی فرانسه؛ زن شوهردار را صریحاً از اداره اموال خود باز داشته و وی را از طرح دعوی در دادگاه ها و قبول وکالت و هبه وارث، بدون اذن شوهر منع مینماید ولی بعداً چند بار از طرف ملت، تقاضای اعطای این حق بزنان بعمل آمده و حتی یکبار، مجلس نمایندگان؛ آنرا تصویب نموده ولی مجلس سنا از موافقت با آن خوددای کرد و در نتیجه صورت قانونی پیدا نکرد. قانون مدنی انگلستان؛ تا پیش از ۱۸۸۲ زنان را از حق مداخله در اموال خود، بدون اذن شوهر، محروم میداشت و در این تاریخ بر اثر تقاضای ملت، این حق برای آنها شناخته شد (۲)

ولی آئین مقدس اسلام، در چهارده قرن پیش؛ استقلال اقتصادی؛ حق مالکیت و هر نوع تصرف در اموال شخصی را بزنان؛ اعطاء کرد. زن از نظر اسلام حق دارد مالی را که باواز هر راه شرعی از قبیل تجارت، کسب، ارث، هبه و نظائر آنها رسیده؛ بدون اجازه شوهر و یا هر فرد دیگری، در آن تصرف کرده و هر نوع تجارت و معامله ای را با آن انجام دهد. زن از نظر اسلام استقلال اقتصادی دارد؛ و میتواند با همان شرایطی که برای مردان لازم است؛ در دارائی و ثروت خود هر گونه تصرفی را که میخواهد بنماید، اموال خود را بفروشد، ببخشد؛ صلح و هبه کند، قرض و رهن بدهد، وقف کند، تجارت نماید و... اسلام میگوید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ» یعنی: برای مردان، از آن چیزهاییکه بدست آورده اند؛ بهره ای است و برای زنان نیز از آن چیزهاییکه کسب کرده اند، بهره ای. (۳)

و روایت معروف «الناس مسلطون علی اموالهم» - مردم بر مالهای خود، مسلط هستند»

نیز، حق مالکیت، و استقلال مالی بانوان را تثبیت مینماید.

(۱) روح الدین الاسلامی ص ۳۳۱ (۲) زن از نظر حقوق اسلامی ص ۴۲ (۳) سوره نساء، آیه ۳۲